

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۳ جنوری ۲۰۲۳

کوتاه سخنی با خوانندگان خارج از کشور!

یکشنبه- ۰۲ دلو ۱۴۰۱ - کابل: از چندی بدین سو خوانندگانی که در خارج از افغانستان زندگانی می نمایند گاهی مستقیماً و زمانی هم تلویحاً با ارسال ایمیل های محبت آمیز، این قلم را مورد انتقاد قرار می دهند که چرا راجع به اوضاع جوی افغانستان به خصوص شهر کابل و مشکلاتی که مردم با آن دست و پنجه نرم می نمایند، چیزی نمی نویسم.

خدمت این بزرگواران عرض شود: برداشت من تا حال حین انتخاب موضوع یادداشت این بوده، به نکاتی بپردازم که یا سایر رسانه ها و نویسندگان متوجه آن نیستند و یا اگر متوجه هم هستند برداشت دیگری دارند و جای طرز دید کارگری و انقلابی خالی می ماند. به علاوه تا جایی که خودم رسانه های شدیداً سانسور شده داخلی و حتا آنانی که علی رغم زندگی فردی در خارج، به علت تعلقات شناخته شده ای در داخل دارند به "خود سانسوری" مجبور شده اند تعقیب می نمایم؛ گزارشات آب و هوا و شدت سرما توأم با تلف شدن انسانها و مواشی در اکثر آنها چنان با آب و تاب انعکاس می یابد که انسان را به شک می اندازد نکند در عقب این "سیاه نمایی اقلیمی" دست دراز گدائی طالب پنهان باشد و مردم نمی دانند. در هر صورت در گزارش امروز خواهم کوشید تا آنچه را بر خودم ظرف ۲۴ ساعت گذشته، در ارتباط با سردی هوا و بقیه مشکلات اقلیمی سپری شده مختصراً بنگارم:

۱- همان طوری که قبلاً نیز نگاشته ام، فامیل ما در کارته مأمورین، در دامنه های شمالی "کوه سخی" و چیزی نمانده به گردنه باغ بالا سکونت دارند. این یعنی در زمستان حتا اگر آسمان صاف هم باشد الی ساعت ۱۰ و ۱۱ از تابش مستقیم آفتاب بی بهره هستیم؛ این یعنی خلاف آن قسمت هائی از شهر کابل که آب مورد ضرورت شان را از چاه هائی که در داخل حویلی کنده اند، تهیه می نمایند، ما این امکان را نداریم زیرا اگر بخواهیم در آن دامنه چاهی جهت تهیه آب حفر نمائیم به اساس سروی رسمی ریاست آبرسانی حد اقل می باید تا عمق ۱۰۰ متر پائین حفر گردد این که چگونه قادر خواهیم شد تا در آن ساختمان کوهستانی حفريات نمائیم و سرانجام در همان عمق به آب دسترسی خواهیم یافت و یا نه، قطعیت ندارد در نتیجه بسیار روشن است که ما برای تهیه آب به همان سیستم لوله کشی که از زمان ظاهر شاه باقی مانده و یا لاری های آبرسان و قیمت گزاف آن نیازمند هستیم؛ در ۲۴ ساعت گذشته ما صرف یک ساعت و ۱۳ دقیقه یعنی ۷۳ دقیقه برق داشتیم، فکر نکنید این ۷۳ دقیقه هم مطابق میل ما بوده، بلکه وقتی برق آمد ساعت یک شب بود و الی ساعت ۲ و ۱۳ دقیقه دوام نمود، بعداً ما ماندم و گورستان تاریکی که طالب و نظام ملاسالار و باداران

امپریالیستی آنها بر ایما تدارک دیده اند. هرگاه برایتان سوالی ایجاد شده باشد که از کجا فهمیدیم که برق به ساعت یک آمد، باید بگویم که خلاف گذشته ها که وقتی انسان خواب می شد چراغ اتاق را خاموش می کرد، فعلاً در اکثر قریب به اتفاق خانه ها به علاوه آن که چراغ داخل اتاق را روشن می گذارند، صرف به خاطر آن که نکند برق بیاید و کسی بیدار نگردد، با چسباندن یک سکاجتیب بر زنگ درب حویلی آخرین احتیاط لازم را نیز می نمایند تا وقتی برق آمد اگر روشنی چراغ کسی را از خواب بیدار نکرد زنگ درب منزل در آن نیمه شب و حاکمیت سکوت، همه را از خواب بیدار نماید، ما هم به مانند بقیه همسایگان عین روش را به کار می بریم.

وقتی برق آمد، همه به طرف ساکت ها هجوم می باید برد چون این "مهمان عزیز" به همان سان که بی خبر می آید، عرق پایش خشک نشده با عجله می رود چون محل دیگری در انتظارش است. این که خانواده ها در آن یک ساعت چه می کنند و از برق چه استفاده هائی می برند، بر می گردد به نیازمندی ها و سطح آمادگی هر خانواده. مثلاً در گذشته در همان وقت شب در خانه ما اتوکاری می شد، خوشبختانه اینک از خیرات سر پدرم که یک اتوی آتشی تهیه کرده، دیگر آن معضله حل شده است.

شب گذشته کسی که جهت برداشتن سکاجتیب از روی زنگ بیرون شد، این قلم بود، در ترمامیتری که برادر مسافر در زیر "پیک درب درآمد" نصب و از خود یادگار گذاشته، درجه برودت منفی ۱۸ را نشان می داد. هموطنان گرامی!

باز هم اگر خواسته باشی بدانی که چگونه زندگانی می نمائیم، باید باز هم بنویسم که ما در مقایسه با بیش از ۹۰ درصد ساکنان شهر کابل در جمع اشرافیت شهری به حساب می آئیم چون:

سقفی که بالای سر داریم تا هنوز از خودماست. تا هنوز به دلیلی نوشتم که سلب مالکیت برای طالب به مانند آبخوردن ساده و آسان است، در حاشیه و گوشه کتاب دلیلی می یابد و دستت را می گیرد و از خانه بیرون می اندازد، مثلاً بهانه ارتداد یکی از آن بهانه ها است. کرایه نمی دهیم، از لحاظ اقتصادی تا هنوز در مضیقه نیستیم، در زمانش چوب تهیه نموده بودیم و اینک ضمن آن که از همان چوب و مقداری زغال سنگ جهت پخت و پز استفاده می نمائیم، وقتی گاز و دودش رفت، خاکسروش منقل های زیر صندلی را نیز گرم نگه می دارد، آب را هم اگر موتر های آبرسان، نرسانند از قسمت های دیگر شهر به وسیله موتری که داریم انتقال می دهیم.

هموطنان گرامی!

اگر واقعاً می خواهید در جریان زندگی روزانه مردم قرار بگیرید، لطفاً آن هموطنان ما را نزد خود مجسم کنید که یا سقفی بالای سرشان ندارند و اگر هم دارند باید بار کرایه اش را حمل نمایند، بیکار شده و درآمدی ندارند، نه تنها توان خریدشان صفر شده بلکه دیگر چیزی جهت فروش نیز در خانه شان نمانده تا با فروش آن، بتوانند مقداری نان و یا آتش تهیه نمایند.

هموطنان گرامی!

این درست است که فعلاً در شهر کابل و بقیه شهر های افغانستان جنگ نیست، راکت، توپ، هاوان و بمب عجالاً قربانی نمی گیرد، از همین رو هیچ کسی از آن یاد نمی کند و غرب امپریالیستی و شرق طماع و گرسنه می خواهند تمام هم و غم ما را به کوتاهی و درازی چادر و موی سرخانم ها محدود بسازند، مگر واقعیت قضیه آن است که شرایط زندگی اگر در کابل و بقیه شهر ها از کییف و بقیه اوکراین بدتر نباشد، بهتر هم نیست. همین اکنون در سراسر کشور مردم را بی نانی، بی آبی، بی داروئی و بی درمانی و سرمای جان سوز به مانند برگ خزان از بین می برد.

هموطن گرامی!

هرگاه دستت می رسد که به یک هموطنت در افغانستان کمک نمائی، از من نپرس و منتظر گزارش من نباش، هرچه زود تر همانی را که می شناسی، معلمت، همسایه ات، قوم و خویش همه و همه نیازمند اند، باید کوشید تا دست شان را گرفت تا از سرما و یخبندان و گرسنگی نمیرند.

هموطنان گرامی!

این نکته را می باید بدانیم که چنین کمک‌هایی هرچند می توانند خانواده ها و اطفال را نجات دهند، مگر راه حل اصلی معضل افغانستان نیستند. زیرا مشکل کنونی ما تنها فشاری نیست که از طبیعت بر ما وارد می شود، مشکل اصلی ما نظامیست که بر ما حاکم است و به جز بقای خودش به هیچ چیز دیگری نمی اندیشد. به همان سان که تجربه نشان داده حاضر است برای حفظ یک ملا و یک تروریست بیش از ۲۰ سال کشور را در زیر رکاب و چکمه های آهنین امپریالیسم به نابودی بکشاند. از همین رو ما برای این که بتوانیم علیه طبیعت گنگ و کور درست مبارزه کنیم، می باید متحدانه و هدفمندانه نخست طالب و نظام ملاسالار این دست دراز امپریالیسم و ارتجاع را به زباله دادن تاریخ بفرستیم. در غیر آن می باید منتظر مرگ تدریجی خود باشیم.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!